



نوشته‌اند: هلاکوخان پس از تسخیر بغداد به‌خواجه نصیر طوسی مأموریت داد رصدخانه‌بزرگی بسازد و زیج ایلیخانی را بنیان نهد.

کتابخانه مراغه در حقیقت باید وارث‌چندین کتابخانه عظیم که در شام و جزیره و موصل و بغداد و الموت و سمرقند و بخارا و سروز قزوین ساوه و نیشابور بودند و مغول آنها را غارت کرده دانست. تاریخ بنیاد کتابخانه و رصدخانه مراغه در تاریخ گزیده و همچنین زیج ایلیخانی (۶۵۷ هجری) نوشته‌اند و در همان سال هم‌ساختمان رصدخانه هم کتابخانه به پایان رسیده است.

از دیگر کتابخانه‌های دوران مغول کتابخانه آستان قدس رضوی است. این کتابخانه از قرن هفتم به بعد وجود داشته و پس از حمله مغول نیز با توجهی که شیعیان جهان - به خصوص ایران - به مشهد مقدس معطوف می‌داشته‌اند، بار دیگر رونق و عظمت خود را بازیافت.

به خصوص مرمت بناهای رفیعی که در زمان شاهرخ پسر تیمور صورت گرفته بیش از پیش بر آبدی مشهد مقدس افزود. در زمان شاه عباس بزرگ که خراسان دستخوش غارت ازبکان قرار گرفت، کتابخانه آستان قدس نیز به تاراج رفت و این خود نشان می‌دهد که قبل از آن، آستان قدس کتابخانه بزرگی داشته‌است.

پس از تاراج کتابخانه آستان قدس به‌وسیله ازبکان و حرکت شاه عباس به خراسان و شکست ازبکان، شاه عباس، شیخ بهائی را مأمور ساخت که کتبه‌های به تاراج رفته راجستجو و بازگرداند و خود نیز مقداری کتاب از کتابخانه شخصی تقدیم و وقف کرد.

از دیگر کتابخانه‌های این دوران از کتابخانه ژنده پیل، کتابخانه‌های دوران تیموری و کتابخانه‌های بایستقر می‌توان نام برد. از کتابخانه‌های دوران صفویه نیز می‌توان به کتابخانه شاه طهماسب اول، کتابخانه سام میرزا، کتابخانه شاه عباس بزرگ کتابخانه کلیسای جلفای اصفهان، کتابخانه ملامحمدباقر مجلسی، کتابخانه آستان شاهزاده عبدالعظیم در ری و... اشاره کرد.

برای اطلاع بیشتر رجوع شود به:

- ۱- تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی، گردآورنده: رکن‌الدین همایونفرخ
- ۲- کتاب و کتابخانه، به کوشش فدایی عراقی
- ۳- دائرةالمعارف مصاحب
- ۴- خدمات متقابل اسلام و ایران، تالیف استاد مرتضی مطهری
- ۵- اطلاعات عمومی، تالیف عبدالحسین سعیدیان

○ مریم نوذری تهرانی

داشته است. مشهورترین آنها را باید کتابخانه‌های گندی شاپور، بغداد، تیسفون، سمرقند و کتابخانه‌های همجواری آتشگاه‌های بزرگ همچون آتشکده آذرگشپ، آتشکده کرکوی، آتشکده فیروز آبادی و مانند آن دانست.

### کتابخانه‌های ایران پس از اسلام

در ایران پس از اسلام تعداد بی‌شماری کتابخانه به‌وجود آمد که به علت کثرت کتابخانه‌ها به نام برخی از آنها اکتفا می‌کنیم.

### کتابخانه‌های ابوالوفای همدانی

در انبار گذشتگان به قدیمی‌ترین نام و نشانی که از کتابخانه‌های معروف ایران پس از اسلام برمی‌خوریم، کتابخانه ابوالوفای سلماً همدانی است.

### کتابخانه عمادالدوله دیلمی

از بشاری مورخ معروف عرب روایت کرده‌اند که گفته است، عمادالدوله دیلمی در شیراز کتابخانه معتبر و بزرگی به وجود آورد که نزدیک کاخ سلطنتی او جای داشته است با توجه به اینکه عمادالدوله دیلمی از سال ۳۲۲ تا ۳۳۸ سلطنت کرده است، قدمت کتابخانه او در شیراز آشکار می‌گردد.

### کتابخانه ری

کتابخانه معتبر و نفیس صاحب‌بن عماد پس از منضم شدن به کتابخانه نوالکفایتین به آن، عظمت و شهرتی عظیم یافت و صاحب‌بن عماد آن را کتابخانه عمومی اعلام‌داشت (وقف عام کرد) این کتابخانه بعدها به نام دارالکتب ری نامیده شد و سالها مرجع محققان و دانش‌پژوهان ایران بود تا هنگامی که سلطان محمود غزنوی به ری و عراق دست‌یافت. سلطان محمود مردی متظاهر و متعصب و قسری بود. به همین مناسبت با اطلاع از این که کتابخانه عمومی ری مخزن کتابهای شیعی و معتزلی و رافضی است، پس از تصرف ری دستور داد کتابهایی که متعلق به این فرق بود سوزانند و قصد داشت کتابهای کلامی را به غزنه حمل کند که توفیق نیافت و مازاد کتابهای کتابخانه عمومی ری تا زمان ابوالحسن بیهقی همچنان باقی ماند.

از دیگر کتابخانه‌های ایران پس از اسلام می‌توان از کتابخانه ابونصر فارابی - فیلسوف شهیر ایرانی - و کتابخانه نوح‌بن منصور سامانی نام برد.

### کتابخانه‌های دوران مغول

از جمله کتابخانه‌های دوران مغول کتابخانه رصدخانه مراغه است که حمدالله مستوفی است که در تاریخ گزیده و میبیدی در کتکسکول خود در شرح ساختن رصدخانه مراغه

یحیای برمکی که به سال (۱۹۰ هجری) از دنیا رفته است.

ولیکن در بعضی از منابع، کهن‌ترین کتابخانه قلمرو اسلامی را به خالد بن یزید معاویه منسوب می‌دانند.

در کتاب پایگاه محمد الندیم در کتاب‌شناسی چین آمده است: «مسلم بن شهاب محمد الزهري در سال (۱۲۴ هجری) اولین کتابخانه در اسلام را به وجود آورده است.» او آن قدر یادداشت جمع کرده بود که زنی می‌گفت: به خدا اگر سه زن دیگر داشتی، کمتر مرا آزار می‌داد تا این کتابها.

خانم رات اشتلهرن مکتسب در کتاب بنیاد کتابخانه‌های اسلامی، وی را دارنده اولین کتابخانه مسلمانان می‌داند.

### کتابخانه‌های ایران باستان

ایرانیان در دوران هخامنشی کتابخانه‌های شاهنشاهی داشته‌اند. پس از اینکه دانشگاه‌هایی در گندی شاهپور و دیگر نقاط ایران دایر گردید. این دانشگاهها همه دارای کتابخانه و گنجینه کتاب بوده‌اند.

ابن‌الندیم در الفهرست نخستین کسی است که از کتابخانه‌های دوران باستان ایران یاد می‌کند: «پس از اینکه اسکندر بر فارس و کاخ داریوش دست یافت. گنجینه‌های دانش آن را که به زبان پهلوی بر سنگها و لوح‌ها از دانش‌های مختلف طبیعی، پزشکی و هیأت نوشته شده بود، فرمان داد تا به زبانهای قبطی و یونانی برگردانند و آنها را به مصر فرستاد تا در کتابخانه اسکندریه نگاهداری شود.» و بسیاری از کتابها را سوزانید و نابود ساخت. از جمله آنها کتاب کشتج بوده است. ابن‌الندیم مطلب خود را درباره کتابخانه کاخ آپادانا از کتاب نهمکان نوشته ابی سهل بن نوبخت گرفته است.

گنجینه کتابهای هخامنشی در کتابخانه اسکندریه بوده است که متأسفانه این کتابخانه هم آتش گرفت، سوخت و نابود شد.

### کتابخانه کهن دژ «قهنزن» در هو - یا - سارویه جی اصفهان

ابن‌الندیم از ابومعشر جعفر بن محمد بلخی ایرانی، نویسنده کتاب «اختلاف‌الزیجات» در کتاب الفهرست درباره علاقه و عشق پادشاهان ایران قبل از اسلام در حفظ وصیانت دانش و علوم و کتاب مطالبی نقل می‌کند، او نوشته است: «پادشاهان ایران از نظر اینکه دانشها بماند و از دستبرد زمان محفوظ باشد آنها را بر پوست درخت خلدنگ که «نوز» می‌نامیدند، می‌نوشتند و آن چنان که خود در تاریخهای نوشته در نقاطی که زلزله خیز نبوده است در دژهای مستحکم نگاهداری می‌کردند»

ابومعشر بلخی می‌گوید: یکی از مردمان ثقه مرا بیاگاهانید که در سال (۲۵۰ هجری) قسمتی از دژ سارویه جی اصفهان



خراب شد، گمان نمی‌رفت که در آن جا اطاق و جای مسکونی باشد، لیکن ثباری پندار گشت که در آن کتابهای بسیاری بدست آمد که کسی به خواندن آنها آشنا نبود. من خود مجلداتی از این کتابها را دیدیم که از دژ سارویه بدست آمده بود که ابوالفضل عمید آنها را برای ترجمه کردن به بغداد فرستاد. برخی از این کتابها نزد استاد ابوسلیمان موجود بود. سارویه، دژ مستحکم معظم دنیای کهن است که در شرق به منزله اهرام مصر می‌باشد. از جمله آثار محفوظ دژ سارویه نامه‌ای بود که خواندند و ترجمه کردند و آن نامه را یکی از پادشاهان باستانی ایران نوشته بود و این مضمون را داشت: «در روزگار

تعمورت اخترشناسان از آینده خبر دادند که با فروباریدن بارانهای بی در پی و فراوان در باختر طوفانی سهمناک برپا خواهد شد و زمان آن دوپست و سی و یک سال و سیصد روز پس از نخستین روز پادشاهی تهمورث خواهد بود. شاه تهمورث که از دوستداران دانش و فرهنگ و دانش پژوهان بود کارا آگاهان و بنایان را بخواند و فرمان داد کنکاش کنند و کنجکاوشوند تا هر جا از آسیب زلزله و نمناکی در پناه است برگزینند و در آن جا برای پاسانی از دانش‌های نیاکان دژی بسازند. بنایان و کارا آگاهان سارویه جی اصفهان را پسندیدند و دژ سارویه را ساختند، آنگاه فرمان داد در آن دژ جایی زرین جای دادند تا از آسیب طوفان در امان ماند و پس از فرو نشستن طوفان مردمان از دانش‌های گذشتگان بهره‌یاب گردند.»

## گنجینه کتابهای هخامنشی در کتابخانه اسکندریه بوده است که متأسفانه این کتابخانه هم آتش گرفت، سوخت و نابود شد

ابن‌الندیم از دو کتابخانه دیگر هم در زمان ساسانی‌ها یاد می‌کند. یکی کتابخانه اردشیر بابکان و دیگری کتابخانه انوشیروان در گندی شاهپور برای دانشگاه آنجا فراهم آورده بود. ابن‌الندیم می‌نویسد: «آنگاه که اردشیر بابک استیلا و غلبه یافت، کتابهایی که از ایران باستان مانده و پراکنده شده بودند از هند و چین گرد آورد و در گنجینه‌ای آن را نگهداری می‌کرد. پسرش شاهپور اول کار او را دنبال کرد و آنچه از زبانهای دیگر به فارسی برگردانده شده و به صورت کتاب درآمده بود همه را فراهم آورد و همچنین به جمع‌آوری اوستا پرداخت و با کمک بزرگ موبدان، اوستا را بار دیگر پس از اینکه اسکندر آن را سوزانده بود احیا کرد.»

همچنین شاهپور اول ساسانی در بغداد کتابخانه بزرگی فراهم آورده بود که پس از حمله عرب و تصرف بغداد این کتابخانه همچنان تا زمان استیلا طغرل سلجوقی برجا بوده است و در اثر هجوم او این کتابخانه نیز دستخوش تاراج و نهب و غارت قرار گرفت و از میان رفت.

رکن‌الدین همایون فرخ در کتاب «تاریخچه کتابخانه‌های ایران و کتابخانه‌های عمومی» در این خصوص چنین می‌نویسد: با وجود سابقه‌ای که از وجود کتابهای مختلف در دوران ساسانی‌ها بدست داریم، در ایران کتابخانه‌های بسیاری وجود

در اسلام را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

صاحب کشف الظنون می گوید: «گفته شده اولین پدیدآورنده کتاب عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریج بصری متوفای (۱۵۵ هجری) بوده و یا ابونصر سعید بن ابی عروبه متوفای (۱۵۶ هجری) که هر دوی آنها را خطیب بغدادی هم نقل کرده (است).

باز گفته شده ربیع بن صبیح متوفای (۱۶۰ هجری) و ابومحمد رامهرمزی هم آن را می گوید. سپس سفیان ثوری و محمد بن غزوان در کوفه و حماد بن سلمه و روح بن عباد در بصره و هشیم و در واسط و عبدالله بن مبارک در خراسان نام برده شده اند و منظور آنان از تدوین، ضبط مشکلات قرآن و حدیث و معانی آن بوده است و پس از آن کتابها را به عنوان وسیله ای برای شناخت مشکلات قرآن و حدیث تدوین کرده اند.»

صاحب کشف الظنون در ذیل ماده الحدیث، کلامی از بعضی از بزرگان نقل می کند که: عبدالملک بن جریج و مالک بن انس اولین کسانی بوده اند که کتابت کرده اند و چنین نقل قول می کند که گویا کتاب ابن جریج و موطا مالک از اولین کتب تصنیف شده هستند.

ابن شهر آشوب از قول غزالی در کتاب معالم العلماء خویش چنین گفته است: اولین کتاب که در اسلام تصنیف شده مربوط به امیر المؤمنین علی علیه السلام است که کتاب خدا را جمع آوری کرد. سپس سلمان فارسی، آنگاه ابوذر غفاری، سپس اصبح این نیا، سپس عبدالله بن ابی رافع و در آخر صحیفه سجادیه امام زین العابدین - علیه السلام - بوده است. این نهمین کتاب سلیم بن قیس متوفای (۹۰ هجری) را اولین کتاب شیعه می داند و قاضی بدرالدین سبکی هم در کتاب محاسن الوسائل فی عدد الاوائل می گوید: «اولین کتابی که برای شیعه نوشته شده کتاب سلیم بن قیس هلالی بوده است» حال با این مقدمه درباره اولین پدیدآورنده کتاب در اسلام، می پردازیم به نخستین کتابخانه در اسلام.

قلقشندی می گوید: «گفته می شود بزرگترین کتابخانه ها در اسلام سه تا بوده اند: اولین آنها کتابخانه خلفای عباسی در بغداد است که در آن کتب فراوانی وجود داشت و از نظر نفاست هم بی مانند بود و این کتابخانه تا زمان هجوم مغولها بر سر پا بود» وی سپس از دو کتابخانه دیگر سخن به میان می آورد و آنها را کتابخانه فاطمیون و کتابخانه خلفای بنی امیه در اندلس می داند. در سال ۱۰۶۴ خواجه نظام الملک در نظامیه بغداد کتابخانه عظیمی به سلیقه اشاعره و صوفیه برای دانشجویان و روشنفکران تأسیس کرد که بودجه آن به یک میلیون و پانصد و چهل هزار فرانک طلا می رسید.

همچنین خلیفه مستبصر بالله عباسی در سال ۱۲۳۳ کتابخانه بزرگی برای ملل و محل مختلف شرق بغداد بنیان نهاد که صدها کتابدار و صدها هزار جلد کتاب خطی در آن وجود داشت و اکنون حتی صد یک آن باقی نمانده است.

در دوره رشد فرهنگ و تمدن اسلام، معمولاً در هر مسجد جامع بزرگ یک کتابخانه وجود داشته است و رسم دانشمندان بر این بوده که کتابهای خود را برای مساجد جامع وقف می کردند.

نویسنده کتاب «تاریخ آموزش» در این باره می گوید: «کتابخانه ها بیشتر در مساجد و نهادهای آموزشی وجود داشتند و چندان فراوان بودند که به سختی می توان مسجد یا بنیاد



علمی فاقد کتابخانه پیدا کرد.»

کتابخانه های بلاد شرق در خراسان و ماورالنهر قدمت بیشتری دارند و شاید کتابخانه مدرسه احمدین اسدین سامان در گذشته به سال (۲۹۵ هجری) اولین کتابخانه باشند. پس از آن کتابخانه های مشرف ابوحنیفه و نظامیه بغداد، ممکن است در منطقه عراق به عنوان اولین کتابخانه مطرح باشند، زیرا با اوصاف «قدم عهداً و اول مدرسه فیتحت فی العراق» موصوف شده اند. در مورد کتابخانه حیدریه نجف هم تاریخ دقیقی در دست نیست. فقط با عبارت «مئذ عهد بعید» متصف شده است.

درباره کتابخانه های شخصی و اختصاصی اعم از دانشمندان و یا وزراء، باید نخست از کتابخانه ابوعمرو یاد کرد که در تاریخ (۱۵۴ هجری) فوت کرده است. آنگاه از کتابخانه

**در دوره رشد فرهنگ و تمدن اسلام، معمولاً در هر مسجد جامع بزرگ یک کتابخانه وجود داشته است و رسم دانشمندان بر این بوده که کتابهای خود را برای مساجد جامع وقف**

**می کردند**

# هر مسجد جامع یک کتابخانه داشت



کرده بودند که می‌توان کتابخانه عمومی ایافرودیت و کتابخانه اوکتافیه را نام برد که کتابخانه اخیر در حدود سی هزار جلد کتاب داشته است.

در تاریخ رم از ۲۶ کتابخانه در شهر رم و ۵۰ کتابخانه در امپراطوری رم نام برده شده است. از جمله کتابخانه عمومی بیزانس در رم شرقی که دارای ۱۲۰۰۰۰ جلد کتاب بوده است که در سال ۴۷۶ م سوزانده شد.

چین باستان نیز دارای کتابخانه‌های عظیم بوده است که در طی جنگها و غارت‌های داخلی به تدریج از میان رفتند. از فهرست‌های قطور و کثیری که در قرن‌های ۱۰، ۱۴ و ۱۵ تألیف شده که به ترتیب شامل ۲۰۰ جلد، ۱۰۰ جلد و ۲۲۹۲۷ جلد بوده و به منزله دایره‌المعارف‌های بزرگی هستند که حاوی کلیه اطلاعات مندرج در سایر کتابهای این کشور است، می‌توان به وجود کتابهای متعددی که در قرون سابق در چین باستان وجود داشته‌اند پی برد.

## اولین کتابخانه در اسلام

با توجه به توصیه‌های این دین آسمانی به یادگیری و آیت و روایاتی که در این خصوص آمده است، ابتدا به اولین پدیدآورنده کتاب در اسلام می‌پردازیم و سپس نخستین کتابخانه

بدون شک یافتن اولین‌ها برای انسان جستجوگر از جذابیت خاصی برخوردار است و به طور یقین آنان که دوستدار علم و دانش اند، خواهان آنند که بدانند، اولین خط چگونه نگاشته شد؟ اولین نویسنده که بود؟ اولین کتاب چه بود؟ اولین کتابخانه چگونه و در کجا به وجود آمد و...

حال در پی پاسخ به این سوال که اولین کتابخانه در جهان چگونه و در کجا به وجود آمد تاریخچه کتابخانه‌های عمومی در جهان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

## تاریخچه کتابخانه‌های عمومی در جهان

بر دلیق آثار و اسناد و مدارکی که در دست است؛ نخستین ملتی که به تأسیس کتابخانه عمومی همت گماشت، یونانی‌ها بوده‌اند و نخستین کتابخانه عمومی در یونان، کتابخانه بیزنتراسیوس بوده است که در حدود شش قرن قبل از میلاد مسیح تأسیس شد و شهرت یافت. پس از آن کتابخانه عمومی اسکندریه را می‌توان نام برد که آن را بطلمیوس در سه قرن قبل از میلاد مسیح بنیاد نهاد و به طوری که نوشته‌اند در حدود دویست هزار جلد کتاب داشته است. سومین کتابخانه عمومی یونان را باید کتابخانه ارسطو شمرد.

رومی‌ها نیز به پیروی از یونانی‌ها کتابخانه عمومی دایر